

قسمت دوازدهم

آیه الله مشکینی

## اخلاق اسلامی

خود برای همه جامعه و «هدی للمتقین»<sup>۱</sup> است در هدایت تکوینی خاص خود برای متقین. قرآن است که از روز نزول تا روز افول انسانیت فرقان جامعه است. نیروبخش است و راهگشا. ظاهر او عنیق و باطن آن عمیق است. کتابی است با ظاهری بسیار زیبا، رسا، بلیغ و فصیح و باطنی بسیار ژرف، بگونه‌ای که هر چه افکار در آن دقت نماید به کنه آن نخواهد رسید. قرآنی که هر انسانی با آن اندکی بنشیند و جلیس شود، بر نمی‌خیزد، مگر اینکه زیادتش در او حاصل شده و نقصانی. زیادت در کمال روحی و مقام علم و دانش و انسانیت و نقصان در جهل و گناه.

قرآن کتابی است که با هر جامعه‌ای باشد، آن جامعه را به سعادت دنیوی و اخروی می‌رساند «فمن جعله امامه ساقه قاده الی الجنة» هرملتی که آن را امام

قرآن کتابی است که منزل آن قلب مبارک پیامبر است و خود با رسول آخرین چنین می‌گوید: «نزل به الروح الامین علی قلبک»<sup>۲</sup>. ای پیامبر! تمام حروف و شورو جملات و کلمات قرآن با زبان رسای جبرئیل امین بر قلب مبارک تونازل شده است. قرآن کتابی است که اعراب و بنای آن، وقف و وصل آن، خواتیم سوزان، کیفیت قرائت آن، و سایر خصوصیات آن، همه و همه بر قلب مبارک نبی اکرم نازل شده و فرود آمده است. قرآن مصحفی است «لاریب فیه»<sup>۳</sup>. شایسته نیست کسی در آن شک نماید و اگر همه عقلای جهان به دقت در آن بنگرند و افکار خود را در فهم معنای آن بسیج کنند، خواهند یافت که هیچ انحراف و شبه‌ای در آن نیست. قرآن مبین عهده‌دار هدایت جامعه بشری است. «هدی للناس»<sup>۴</sup> است. در هدایت تشریحی عام

قال الله تعالی: «فمن یرد الله ان یردیه یشح صدره للاسلام»<sup>۱</sup>

رب عزیز و ودود در مصحف نورانی خویش قرآن می‌فرماید: کسی که خدا بخواهد او را هدایت فرماید، پس سینه‌اش را برای اسلام گشاده گرداند.

در بحث این شماره بنا داریم درباره شرح صدر - واژه‌ای از واژه‌های متداول قرآن - مطالبی را بیان نماییم، اما قبل از پرداختن به این بحث مطالبی را پیرامون قرآن و ارزش آن در مکتب الهی اسلام معروض می‌داریم:

قرآن بزرگ کتابی است حمید، پسندیده و صاحب همه زیباییها. کتابی که به تعبیر خود «لایأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه»<sup>۲</sup> می‌باشد. یعنی نه پیشینیان توانسته‌اند در محتوای آن خدشه کنند و نه الی الابد خواهند توانست بر آن ایراد بگیرند.

— راهنما و پیشوای خود — و امام — پیش روی — خویش قرار دهد، آنها را به بهشت جاودان واصل خواهد نمود و قرآنی که هیچ ملتی به آن بی اعتنا نشده و پشت نکرده است مگر اینکه آنها را به جهنم و عذاب‌های دنیوی و اخروی کشانیده است.

گمان مبرید که این مصحف شریف دست نوشته بشر است «بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ»<sup>۷</sup> بلکه تمام قرآن در آسمان اول بدست فرشته‌ها استنساخ شده و بالاتر از آن درملاء اعلی در لوح محفوظ با قلم نور از طرف پروردگار نوشته شده است. و سرانجام قرآن کتابی است که هر چه از او بگوییم همانند آن است که با انگشتان‌های از اقیانوس عظیم آب برداریم.

در آیه‌ای که در ابتدای مقال ذکر آن رفت، سخن از صدر است و شرح صدر. اینکه شرح صدر از جانب خداست و هر که این صفت در او تجلی کند، بر پایه نور حرکت می‌کند.

این آیه از آیاتی است که هرگاه در جامعه‌ای پیاده شود، گویا به تمامی آیات عمل شده است و این خود زمینه اصلاح آن جامعه را فراهم می‌آورد. بدین بیان توجه فرمایید: «ولو ان القرآن سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به المونی». ای انسانها! اگر در پی کتابی هستید که با آن بتوانید کوهها را از جا براندازید و دره‌ها پراکنده نمایید و یا زمین را بشکافید و به معادن زیرزمینی دست یابید و یا جامعه مرده‌ای را به وسیله آن حیات بخشید همین کتاب است.

خداوند در آیه مطلع سخن می‌فرماید: دسته‌ای از انسانها هستند که ما به آنها شرح صدر دادیم، سینه آنها را گشودیم و باز کردیم و آنان را پذیرای اسلام قرار دادیم. آیا کسی که اراده و مشیت تکوینی و تشریحی خداوند تعلق گرفته است که برای پذیرش اسلام شرح صدر بیابد و رفته رفته روی نور حرکت کند، همانند کسی است که از این نعمت بهره‌مند نیست؟

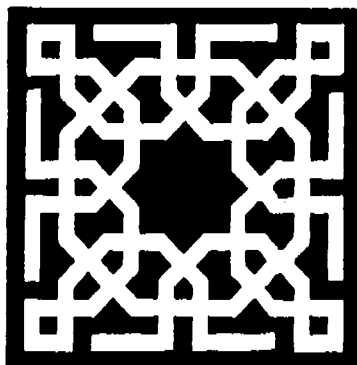
در این آیه سخن از صدر و شرح صدر برای پذیرش حقیقت اسلام رفته و همچنین

درباره نتیجه انشراح صدر و پذیرش اسلام — که سیر انسان در نور می‌باشد — مطالبی بیان شده است.

صدر چیست و مفهوم آن چه می‌باشد؟ صدر عبارت از روان آدمی است. تعابیر قلب، نفس، روان، صدر و عقل گرچه در صورت مختلفند ولی از همه آنها یک معنا اراده می‌شود که آن عبارت از روح انسان است و روح آدمی یعنی تمامی وجود آدمی. روح یعنی حقیقت انسان منهای لباس تن. و به تعبیر دیگر روح یعنی وجود دائمی، ابدی و فنا ناپذیر انسان. توجه قرآن به روح است، لباس اهمیتی ندارد. انسانی که کار خوبی انجام می‌دهد و مورد ستایش و تشویق قرار می‌گیرد، نه از حیث لباس است که اگر آن



✽ قرآن در آسمان اول بدست فرشته‌ها استنساخ شده و بالاتر از آن درملاء اعلی در لوح محفوظ با قلم نور از طرف پروردگار نوشته شده است.



لباس را بیرون بیاورد و لباس دیگری بپوشد. باز هم سزاوار همان ستایش می‌باشد. و انسانی که بجرم گناه و خطای خویش استحقاق تعزیر و حد و قتل دارد، باز منهای لباس است که بدون آن لباس هم حد و تعزیر در خور اوست.

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم خوشا دمی که از این چهره پرده برافکنم این غبار پرده‌ای است بین انسان و آنچه بایستی با آن ملاقات نماید. حجایی است بین او و جایی که باید همیشه در آنجا باشد و حائلی است بین آدمی و دوستانی که باید با آنها سخن بگوید.

پس بنا بر این حقیقت آدمی روح اوست که از آن بعنوان نفس و صدر نیز یاد می‌کنند. شرح و گشایش هم برای همین است، و هنگامی که خداوند در روح و نفس و صدر آدمی گشایش ایجاد کند، آن را شرح دهد و باز نماید، حالتی در انسان ایجاد می‌شود که از جمله با ارزش‌ترین حالات بشر است و انسان بوسیله این حالت است که اوج می‌گیرد، تعالی پیدا می‌کند و از فرشته‌ها بالاتر می‌رود، بگونه‌ای که ملائک خدام درگاه او می‌گردند.

چنین حالتی است که خداوند برترین خلق خویش رسول مکرم اسلام را به آن توصیف می‌کند: «الم نشرح لک صدرك»<sup>۸</sup> ای پیامبر گرامی: آیا ما سینه‌تورا گشاده نگردانیدیم و به تو شرح صدر عطا نکردیم؟ «ووضعنا عنک وزرک»<sup>۹</sup>. و آیا ما آلودگی‌های جهل را — که لازمه طبع بشر است — از تو زدودیم؟

آیه اخیر نتیجه آیه اول است. تا شرح صدر نباشد وضع و زرتیست و تا گشادگی سینه نباشد زدودن بار گران گناه و جهل وجود ندارد. در خودسازی اولین مرحله تخلیه است، سپس هنگام تخلیه می‌رسد و آنگاه مرحله تجلیه است. ابتدا باید خانه‌ات را برویی و غبارگیری کنی، سپس آن را مزین کنی و فرش بگسترانی و آنگاه به نور روشن و منور گردانی.

این صفت شرح صدر از بهترین صفات انسانی است که پذیرش اسلام در انسان

قلب او را برای سیر در نور آماده می سازد. در اینجاست که باز آیه مکرره قرآن تجلی می کند و زبان وحی با ما سخن می گوید که هر که را شرح صدر دادند حرکت او بر نور است.

در وجود انسانها سه بخش تعبیه شده است که خداوند نیز به مقتضای این سه بخش بر آدمی نور نازل می کند. انسانها بخش فکری دارند و باید بخش فکری آنان از نور معارف و اعتقادات سرچشمه بگیرد و معتقدات آنان بر پایه نور قرآن استوار گردد. همچنین بخش اخلاقی نیز یکی از بخش های وجودی انسان است که آن نیز باید بر پایه نور صفات حمیده متخذ از کتاب الله و سنت رسول الله مستحکم شود. آنگاه نوبت به بخش اعمال و افعال بدن انسان می رسد که اعمال آدمی نیز باید بر پایه نور متخذ از فروع کتاب الله استوار گردد.

پس بکشید تا شرح صدر پیدا کنید و گمان نکنید که این حالت با سهولت بدست می آید. خیر این صفت با زحمات طاقت فرسا حاصل می شود. و لازمه آن ترک همه گناهان و مکروهات است.

اگر تنها به ترک گناهان قناعت ورزید و به همین اکتفا کنید به سر منزل مقصود نخواهید رسید. بلکه باید مکروهات نیز از

**\* شما حرکت کنید خداوند خود وعده برکت داده و شما متقی باشید او قول حرکت در نور را به شما داده است. شما از نور غفلت نکنید، چراغ هدایت را او خود روشن می کند.**

شما سر نزنید. باید مستحبات را نیز انجام دهید و اگر چنین مواظبتی بر خود نمودید، یقین بدانید که انشراح صدر نیز حاصل می شود و با پیدایش آن مرتب نور هدایت بر قلوب شما خواهد تابید و مرتباً امداد غیبی بر شما خواهد رسید.

ببایید مدتی به حال خود رسیدگی کنید، مواظب وضع خودتان باشید، روزها و شبها به حساب خود برسید و ببینید گناهی از شما سر زده است یا خیر. آخر هفته برنامه هفتگی خود را رسیدگی کنید. ببینید در این هفته با چه کسانی رفیق شده اید و چه سخنانی بر زبان رانده اید؟ اگر به ذهنتان آمد بعضی از اعمال شما ناروا بوده است، آخر هفته جبران کنید.

بدانید انسانها آزاد مطلق نیستند، ما نباید خیال کنیم چشم ما آزاد است هر چه را می خواهد ببیند و گوش آزاد است هر چه را خواست بشنود و با دست و پا و زبان آدمی آزاد هستند هر حرکتی را خواستند انجام دهند. در روایت آمده است که: «المومن



ملجم» چشم مؤمن، زبان و دیگر اعضای مؤمن به لجامی از جانب خداوند بسته گردیده است تا انسانها تحت اراده الله حرکت کنند و تربیت یابند و اگر چنین لجامی بر خود زدید عینیت انشراح صدر در وجود خود را بوضوح در خواهید یافت. شیخ عبدالله ما مقانی صاحب آن رجال بسیار مفصل و عظیم که در طبر ۳ سال موفق به نوشتن آن گردید. در شرح حال خودش تحت کلمه «عبدالله» سوگند می خورد که در وقت نگاشتن یک دوره فقه — که ۶۰ جلد کتاب را در بر می گیرد — به باب رهن رسیدم و نیاز پیدا کردم که در بحثی کلام علامه را ببینم. من مطمئن بودم که کتاب رهن علامه در کتابخانه ام نیست

ولی با این حال از جا برخاستم و به سمت کتابهایم رفتم و با خود گفتم شاید خداوند توفیقی بدهد و این کتاب را بیابم. وارد کتابخانه شدم و اولین کتابی که به چشم خورد کتاب رهن مرحوم علامه بود. «فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام».

شما حرکت کنید خداوند خود وعده برکت داده و شما متقی باشید او قول حرکت در نور را به شما داده است. شما از نور غفلت نکنید، چراغ هدایت را او خود روشن می کند. لازم است جدیت شما، نیت و حرکات شما برای او باشد تا او شما را یاری کند و از امداد خویش بهره مند سازد.

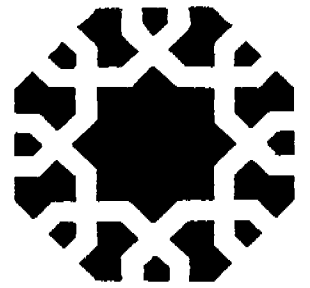
حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام چه زیبا سخن گفته و قرآن چه خوب آن را بازگویی نماید: «قل ان صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین» ای پیامبر تو نیز سخن ابراهیم را بگویی؛ همانا نماز من، عبادت من و مرگ و زندگانی من همه از آن خداست که پروردگار عالمیان است.

در مضامین ادعیه ما مفاهیمی وجود دارد که دست یافتن به آنها موجبات خیر دنیا و آخرت انسان را فراهم می کند. «اللهم لاتدع خصلة تعاب منی الا اصلحتها ولا اکرمة فی ناقصة الا اتمتها».

خداوند! هیچ صفت زشتی از من برجای نماند مگر اینکه آن را اصلاح فرمایم، و هیچ اخلاق فاضله ای در من ناقص نباشد، مگر اینکه آن را تمیم نموده و کامل نمایم.

اینگونه دعاها را در قنوتهای خود بخوانید. حتی المقدور همراه با هر سال یکبار دعای مکارم الاخلاق را در قنوت بخوانید و در آن حال نسبت به رب عزیز اظهار ذلت نمایید.

نکنند عمری از شما بگذرد و آنگاه افسرده و پشیمان ندا در دهی: «الهی لقد افینت عمری فی شرة التهو عنک و ابلیت شبابی فی سکرۃ التباعد منک». خدایا عمر خویش را در بلای غفلت از توفنا کردم و اوان جوانی را در مستی دوری از درگاه رحمت تو پشت سر نهادم.



**\* در خودسازی اولین مرحله تخلیه است، سپس هنگام تخلیه می‌رسد و آنگاه مرحله تجلیه است. ابتدا باید خانه‌ات را بروبی و غبارگیری کنی، سپس آن را مزین کنی و فرش بگسترانی و آنگاه به نور روشن و منور گردانی.**

من با تجربه‌ای که از یک عمر ۶۳ ساله دریافته‌ام با شما سخن می‌گویم. کسی به شما استقامت و انحراف راه را می‌گوید که خود این راه را رفته است. بیایید در راه خدا مستقیم باشید. یک گناه شما را از خیرات و برکات و تفضلات ائمه اطهار دور می‌کند. گناهانی را که شما مرتکب می‌شوید، گاهی خداوند مستور می‌نماید، اما بعضی از اوقات نیز آن را در بین ملائک ظاهر می‌سازد. اسیر نفس نشوید و این لباس بدن را نبینید، خدا را بنگرید تا آنگاه با چشم خدا نظر کنید و با بواطن امور آشنا شوید.

مرحوم شیخ عبدالکریم حائری عادت داشت هر روز صبح پس از صرف صبحانه یک استکان قهوه بیاشامد. روزی صبح هنگام، برای قدم زدن از خانه بیرون رفته بود که شخصی ایشان را به غذا و قهوه تعارف نمود. ایشان قدری از غذا میل فرموده اما دست به قهوه نبرد و از جا برخاست و رفت. از ایشان سؤال کردند: حضرت آیت الله چرا با وجود این همه علاقه‌ای که به قهوه دارید از آن قهوه تناول نفرمودید؟ گفت: همین که

به قهوه نگاه کردم دیدم میل بدان نداشته و بالعکس از آن متنفرم. هنگامی که افراد در باره آن تحقیق نمودند، متوجه شدند که هنگام تهیه قهوه، قطره‌ای از خون مرغ مرداری در آن افتاده و قهوه‌چی توجهی به این مطلب ننموده است و آن حالت معنوی مرحوم حائری مانع شده است که ایشان از آن قهوه تناول فرمایند.

وقتی مرحوم شیخ عبدالکریم حائری از دنیا رفت، آیت الله صدر شعری برای او سرود که آن را بر روی سنگ مزار آن مرحوم حک نمودند. مصراعی از آن شعر چنین بود:  
لدی الکریم حل ضیفا عبده.  
یعنی بنده خدا نزد پروردگار کریم میهمان گردید.

آیت الله صدر می‌گوید: پس از وفات شیخ روزی ایشان را در خواب دیدم که دارای مقام والایی است و در باغ مصفایی زندگی می‌کند. ایشان دست مرا گرفت و در آن بستان‌های زیبا و دل‌انگیز بهشتی قدری تفریح نمودیم. آنگاه من گفتم: حضرت استاد، خداوند عجب مقامی به شما عنایت فرموده است! ایشان لبخندی زده و فرمودند: «لدی الکریم حل ضیفا عبده». چنین مقاماتی بوسیله انشراح صدر حاصل می‌شود.

چرا ما از حقایق دوریم؟ چرا نور معرفتی که بر دل گذشتگان می‌تابید بر دل ما نمی‌تابد؟ و چرا آن معارف و معنویاتی که پیشینیان داشتند ما نداریم؟ بکوشید آینده این کشور در سایه کوشش شما به سعادت گرایش پیدا کند.

**\* صدر عبارت از روان آدمی است. تعابیر قلب، نفس، روان، صدر و عقل گرچه در صورت مختلفند ولی از همه آنها یک معنا اراده می‌شود که آن عبارت از روح انسان است و روح آدمی یعنی تمامی وجود آدمی.**

دوستان محترم؛ یکی از مهمترین راههای وصول به هدف که من همیشه به برادران پیشنهاد کرده‌ام و آن را به تجربه دریافته‌ام، خلوت‌ها و مناجات‌های شما با خداست. گاهی همه درها را بر خود ببندید، مفتاح، زادالمعاد، مصباح المنیر و یا یکی دیگر از کتاب‌های دعا را باز کنید و با خدای خویش مناجات کنید. رسم مناجات را از سیدالساجدین پیام‌وریم که چه زیبا مناجات تأیین<sup>۱۲</sup> را با این جمله آغاز کرده است: «الهی البستی الخطایا ثوب مذلتی و جلتی التباعد منك لباس مسکتی» خداوند! گناهان لباس مذلت بر اندامم پوشانیده و دوری از تو جامه مسکنت بر بیکرم افکنده است.

خداوند! درخواستی که من از تو دارم، جز تو دست قدرت کسی توان برآورده کردن آن را ندارد.

با خدا باشید و در خلوت با او سخن بگویند و مطمئن باشید که او از شما خواهد پذیرفت. حتی در روایت آمده است که امام سجاد فرمودند: اگر دعایی کنید و در پذیرش آن از جانب خداوند شک و شبه‌ای داشته باشید «لقد اسأت الظن بالله» همانا نسبت به خداوند سوءظن برده‌اید.

این راهی است که بزرگان دین پیشنهاد کرده‌اند و بدانید اگر در این راه قدم بنهید سعادت دو جهان را از آن خویش نموده‌اید.

پی نوشتها:

- ۱- سوره انعام، آیه ۱۲۵.
- ۲- سوره فصلت، آیه ۴۲.
- ۳- سوره شعراء، آیه ۱۹۳.
- ۴- سوره بقره، آیه ۲.
- ۵- سوره بقره، آیه ۱۸۵.
- ۶- سوره بقره، آیه ۲.
- ۷- سوره بروج، آیه ۲۲.
- ۸- سوره انشراح، آیه ۱.
- ۹- سوره انشراح، آیه ۲.
- ۱۰- سوره انعام، آیه ۱۶۲.
- ۱۱- دعای مکارم الاخلاق.
- ۱۲- از مناجات‌های خمسۀ عشر.